

ازلابلای یادداشت ها ونبشته های روزمره ام

ضرورت تداوم روال زندگی یا گذار به سکوت گورستانی؟ چگونگی ویژگیهای حیات شهروندان کشورپس از ورود "طالب" ها آیا "طالب" ها فتوای رسمی ایالات متحده را با خود داشتند؟

متحدین و مرشدان "طالب" ها کی ها می باشند؟
ما درکشور شاهد واهه گرایی هایی بودیم
نسل غمگین اما با چهره خندان
منتقد بی رحم تاریخ باید بود

زندگی مشخصه ایست که موجودات فزیک را که دارای فرآیند های بیولوژیکی هستند، مانند پیام رسانی سلولی و خود پایداری، از موجوداتی که فاقد آن اند، متمایز می کند، یا باین دلیل که چنین عملکردهایی متوقف شده اند (مرده اند) یا باین دلیل که هرگز چنین عملکردهایی نداشته اندوبی جان طبقه بندی می شوند. اشکال مختلفی از زندگی وجود دارد، مانند گیاهان، حیوانات، پرند ها و باکتری ها. زیست شناسی علمی است که زندگی را مطالعه میکند. انسان فطرتن موجودیست تراژیک. به محض اینکه بزرگدگی پیرامونش آگاهی می یابد، پی میبرد که دیریا زود آنرا باید ترک نماید. موجودات دیگر نمی دانند که خواهند مُرد، انسان می داند که هرزندگی باید پایان پذیرد و می داند کاین واقعیت تا ابد با انسان همراه می باشد. اوخو یشان ودوستان خودرا از دست میدهد و مرگ بی وقفه او را تهدید می کند. زندگی دریستر مسایل اجتماعی، آمیزه ای از شادی ها، اندوه ها، یافتن ها و از دست دادن ها و سرشار از کامیابی ها و ناکامی هاست. امروزه بیشتر مر دم در شتاب زندگی کرده وهویت خویش را گم می نمایند. انسان نمیتواند تصمیم بگیرد چگونه یا چه زمانی بمیرد. چیزی که انسان میتواند تصمیم بگیرد اینست کاکنون چگونه زندگی کند. زندگی داستان دراز خستگی است. حیات در علم است و راحت در معرفت. در هیچ شرایطی زندگی تعطیلی ندارد.

پس از ۲۰ سال درگیری های مسلحانه و خونینی که بمرگ هزاران تن از انسان ها انجامیده و ویرانی های بیشمار ی را بجا گذاشت، بلاخره نظامیان امریکایی بکشورشان فراخوانده شده و در نتیجه، عرصه بمنظور دستیابی "طالب" ها بقدرت بیش از هر زمان دیگر مساعد ومهیا شده وآرام آرام و یا بگونه تهاجمی بر تمامی مناطق کشور سایه تسلط شان را گسترش دادند. با فراخواندن نظامیان خارجی از سرزمین و اراضی متعلق بکشور عزیزما، هزاران تن از شهروندان کشور، اصلن با حضور "طالب" ها در کشور، بویژه با تداعی عملکردهای آنها در امتداد زمانی دوره نخست حاکمیت آنها، از حضور مجدد آنها در کشور، در انتظار هیچ مورد مساعد و وضعیت قابل قبولی بمنظور تداوم حیات در محدوده افغانستان نبودند. در امتداد زمانی ۱۲ ماهه، پس از حاکمیت مجدد "طالب" ها در کشور آیا تحولی در زندگی آنعده از شهروندانی که در داخل محدوده کشور ماندگار شدند، از قوه بفعل مبدل گردید؟ خوب بخاطر داریم که میدان هوایی کابل در سال پار مملو از شهروندان کشور ما بوده که هر کدام بگونه نا امیدانه ای در صدد دستیابی بامکان پرواز از کشور و ترک اندوهبار میهن و زاد و بوم شان بودند. اینهمه چگونه اتفاق

افتاد و تکوین حوادث در کشور ما بر چه منوالی سیر نمود؟

در آغاز و نخست بایست تذکر بعمل آورد که "طالب"ها برای نخستین بار در امتداد سال های ۱۳۷۵ - ۱۳۸۰ بر بیشترین بخش های کشور ما حاکم بودند که مقررات سختگیرانه ای را در سراسر کشور مرعی الاجراً قراردادده، دست ها و پاهای مجرمین قطع می گردید، دختران از رفتن به مکتب و تداوم تحصیلات محروم شده و بانوان کشور نیز از کار و انجام فعالیت های اجتماعی بازداشته شدند. بتن نمودن لباس های "غیر سنتی" اصلن مجاز نبود. با بقدرت رسیدن مجدد "طالب"ها، آنها وعده سپردند که "سنت ها و ارزش های اسلامی" را همچنان حفظ و مراعات خواهند نمود. اما آیا آنها بمنظور نشان دادن و اجرای رویکرد نرمترو انعطاف پذیرتر در قبال برخی از مسایل بقول خویش وفا خواهند نمود؟

قابل تذکار پنداشته می شود که در وضعیت کنونی، در کنار مسایل دیگر، از جمله یکی هم معضل گرسنگی و موجودیت فقر گسترده، بیش از هر زمان دیگر در کشور عزیز ما چهره نمایی می نماید. قبل از نایل گردیدن "طالب"ها بقدرت، در حدود ۷۵ درصد هزینه های عمومی توسط بانک های خارجی و معاونت های بشردوستانه تأمین می گردید. اکنون بیشترین بخش برنامه های یادشده متوقف گردیده، سرمایه های بانک مرکزی کشور که بیشترین مبلغ آن در ایالات متحده نگهداری می شود منجمد گردیده که با چنین وضعیتی، اقتصاد و سیستم بانکی کشور دچار سقوط و فروپاشی گردیده است. "طالب"ها خواهان آزاد سازی سرمایه های منجمد شده بانک مرکزی کشور بوده و اما واشنگتن چنین می پندارد که در کنار سایر شرایط بمنظور آزاد سازی سرمایه یادشده، از جمله یکی هم کنار رفتن عده ای از مسئولان بانک مرکزی و رهبران "طالب"ها از پست های رسمی شان می باشد.

در شرایط و وضعیت کنونی در حالی که طرف های مذاکره کننده، هر کدام مصروف چانه زنی می باشند، بیکاری در کشور بیداد نموده، بهای مواد اولیه مورد ضرورت شهروندان کشور بگونه سرسام آوری ارتقا نموده و بر بنیاد گزارش های سازمان ملل، از مجموعه ۳۰ میلیون تن جمعیت کشور، در حدود ۲۵ میلیون تن آنها در فقر بسر برده و هزاران تن از کودکان افغان بدلیل سوء تغذی به بیمارستان ها مراجعه می نمایند و اما در برخی از مناطق و محلات دور افتاده کشور، بدلیل فقر و گرسنگی بسیار، راهی گورستان می گردند. همچنان، برخی از خانواده های موجود در کشور، نوزادان شان را بمنظور زنده ماندن سایر اعضای خانوارشان بفروش می رسانند در امتداد ماه های آغازین سال روان، در مناطق جنوب شرقی کشور زمین لرزه ای بقدرت ۵٫۹ درجه بوقوع پیوسته که سبب مرگ ۱۱۵۰ تن از شهروندان کشور گردید. عملیات نجات شهروندان مجروح و کشته شده ها بدلیل کمبود امکانات و منابع با مشکل و تأخیر انجام پذیرفت.

در اعلامیه دیده بان حقوق بشر می خوانیم که بدون در نظر داشت وضعیت و موقف کنونی "طالب"ها و یا چگونگی برسمیت شناختن و یا برسمیت نشناختن آنها از جانب کشورهای دیگر، سازمان های بین المللی اقتصادی، بگونه انساندوستانه، معاونت های شان را بمنظور رفع عواقب سانحه بار آمده در افغانستان همچنان ادامه خواهند داد. یکی از جمله دکتوران در ولایت غزنی اظهار نمود که همه ما در تاریکی بوده و با تداوم وضعیت اینچنینی، برای شهروندان کشور حتماً نمی توان آینده ای را تصور هم نمود. چه، اقتصاد کشور بگونه تقریبی ۳۰ - ۴۰ درصد کوچک شده و بازار کار در کشور نیز در حالت رکود قرار دارد. بر بنیاد گزارش های بنشر رسیده، سال روان در نتیجه خشکسالی در کشور، حاصلات گندم نیز به نازلترین سطح تقلیل حاصل نمود.

از رهگذر انکشافات جنگی و درگیری های مسلحانه بایست متذکر گردید که پس از مسلط گردیدن "طالب"ها بر تمام می ولایت های کشور، نظامیان خارجی از اراضی کشور ما رخت سفر بر بسته و در نتیجه چنین تصویری گردید که بیشتر از این، فصل و باب درگیری های مسلحانه هرگز گشوده نخواهد شد. در مجموع، در امتداد سال پسین، خشونت ها محدود شده و تعداد قربانیان درگیری های مسلحانه نیز کاهش حاصل نمود. موضوع یادشده در گام نخست، با مبارزه و جنگ های قبلی "طالب"ها که عمدتاً با استفاده و بکارگیری عملیات انتحاری، انفجارها و انجام اقدامات بمب گذاری که در نتیجه آن بیشترین تعداد شهروندان ملکی کشور صدمه دیده و زیان هایی را از این ناحیه متحمل می شدند، بمنابۀ مبارزه علیه رژیم می که از جانب ایالات متحده و ناتو حمایت و پشتیبانی می شد، عنوان گردید. انفجار و سایل انتقالاتی و بمب گذاری ها و از جانب دیگر نیز تداوم عملیات مسلحانه نظامیان دولتی، بویژه با استفاده از قوت های هوایی بر علیه "طالب"ها، روز تا روز، آتش درگیری های مسلحانه شعله و رتر می گردید. بسیاری از اشخاص و افراد، بویژه آنهایی که در امتداد مرزهای کشور در مناطق و محلات دهاتی در جنوب و شرق کشور بودند و باش داشتند، از دستیابی "طالب"ها بقدرت بمنابۀ ختم و پایان درگیری های مسلحانه استقبال

نمودند. اما متأسفانه که بخاک و خون کشیدن شهروندان کشور همچنان ادامه دارد. بر بنیاد آمار منتشر شده ساز مان ملل، در امتداد ماه اسد سال پارتاکنون، در سرزمین و اراضی کشور ما بتعداد ۷۰۰ تن از افراد ملکی و اشخاص غیر مسلح بشهادت رسیده و بیشتر از ۱۴۰۰ تن هم زخم برداشتند. بر بنیاد محاسبات موجود، در حدود ۵۰ درصد کشته ها و قربانیان بجا مانده نتیجه انجام عملیات مسلحانه شاخه های افغانی گروه "دولت اسلامی" پنداشته می شود. عملیات یاد شده، عمدتاً در مناطق و محلات شیعه نشین و سایر اقلیت های مذهبی انجام پذیرفته و متأسفانه کاین سلسله همچنان ادامه دارد. در شرایط و وضعیت کنونی، جنگجویان "دولت اسلامی" بگونه چشمگیری در اراضی و قلمرو مربوط بکشور عزیز ما فعال می باشند. اما در قبال "طالب" ها ضعیف بوده و در مجموع، کم عده هم می باشند.

بخاطر ما باشد که کانون های اقدامات مسلحانه که در برگیرنده گروه های مسلح و ایسته به رژیم قبلی و افراد مسلح بر رهبری احمد مسعود می باشد، بیش از سایر مناطق در صفحات شمال کشور در حال شکل گیری و تشکل بوده و در حال آمادگی بمنظور رویارویی های مسلحانه با "طالب" ها می باشند. اما درگیری های کنونی، در مقیاس با سال های قبلی، در ساحة محدودی سازماندهی و اجرا می گردد. قابل تذکر پنداشته می شود که درگیری های در شرف تکوین در کشور، بشکل دیگری به منصفه تطبیق عملی می گردد. بگونه نمونه بر بنیاد گزارش های منابع خبررسانی، مخالفان "طالب" ها در سراسر کشور بازداشت و شکنجه می گردند. در امتداد ماه سنبله سال پارالی ماه جوزای سال روان، بیشتر از ۱۶۰ تن از افراد و نظامیان حاکمیت قبلی، حلق آویز گردیدند.

کارمندان سازمان ملل گزارش می دهند که چگونگی وضعیت و اوضاع و احوال کشور، بیش از هر زمان دیگر، غیر قابل پیشبینی می باشد. حتا اقدامات جنایی که بویژه در نخستین ماه های بقدرت رسیدن "طالب" ها از آن خبری نبود، در شرایط و وضعیت کنونی، افزایش چشمگیری حاصل نموده است. جنایت های خیابانی که در نخستین ماه های بقدرت رسیدن "طالب" ها، حتا نشانی از آن بنظر نمی رسید، در وضعیت کنونی و شرایط حاضر، مجددن قد می افزایند. اینهمه تاحدی بدلیل فقر همگانی میلیون هاتن از شهروندان کشور و موجودیت تهدیدهایی از ناحیه قحطی پنداشته می شود.

در مورد بانوان کشور بایست یادآور گردید که "طالب" ها سال قبل اعلام نمودند که حقوق آنها را محترم خواهند شمرد. اما در نتیجه، محدودیت های بیشتر و دست و پاگیرتری در قبال آنها وضع گردیده و روز تا روز افزایش حاصل نمود.

بزودی پس از تصرف قدرت توسط "طالب" ها، حاکمیت آنها و یا هر آنچه که اسم آنها می گذارید، در حالی پا بعرضه وجود نهاد که همه اعضای آن مرد بوده و از شرکت و سهمگیری بانوان در آن خبری نبود، یعنی به تفسیر دیگر، حکومت "مردانه" عرض وجود نمود. در چنین وضعیتی، وزارت امور زنان لغو گردیده و اداره "امر بالمعروف ونهی از منکر" جاگزین آن شد که عمدتاً نظارت و بررسی از تطبیق و اجرای عملی احکام شرعیت و در نظر داشت آموزه های اسلامی را بر عهده دارند. در وضعیت حاضر، بانوان از گشت و گذار در مکان های عمو می منع گردیده و در صورت سفر بخارج از محدوده محل بود و باش، باید محرم مرد آن ها را همراهی نماید. با آغاز سال روان تصمیم گرفته شد تا بانوان کشور با استفاده از حجاب، سروروی شان را سرتاپا باید بپوشانند. در صورت عدم رعایت مقرر ه های یاد شده، پدر و یا نزدیکترین اقارب بانویی که مقررات حفظ حجاب را رعایت ننموده، مورد تعقیب عدلی قرار گرفته و زندانی گردد. یکسال قبل "طالب" ها وعده سپردند تا به بانوان کشور اجازه ادامه تحصیلات داده می شود. اما در وضعیت حاضر، برای بانوان کشور تنها و صرف اجازه تداوم دروس مکاتب ابتدا نیه داده شده و پس. بنابرین، برنامه آموزشی مکتب ها نیز دستخوش دگرگونی گردیده است، چه، دختران در مکتب ها بایست بیشترین تعلیمات اسلامی را فرا گیرند.

طبق آمار و ارقام ارائه شده توسط سازمان ملل، ممکن بتعداد ۱,۱ میلیون تن از بانوان در مکاتب به تحصیلات شان ادامه دهند. رهبری "طالب" ها به کمبود معلمان زن و نبود محل های جداگانه برای دختران و پسران دانش آموز اشاره می نمایند. اما شهروندان کشور به توضیحات اینچنینی اصلن باور ندارند. با وجود آنکه بگونه رسمی به بانوان کشور اجازه تدریس در مکاتب ابتدائیه داده شده است، اما بسیاری از آنها بدلیل عدم دریافت حقوق ماهانه، از تداوم شغل شان دست کشیده اند. در امتداد سال پسین، بدلیل محدود نمودن کار و مشغولیت های آنها، سهم بانوان کشور از ۲۲ درصد به ۱۵ درصد کاهش حاصل نموده است.

موضعگیری و نحوه عملکرد "طالب"ها در قبال بانوان کشور، بیشترین بخش بانوان کشور را به حبس و زندان خانگی محکوم نموده و کشور را از استفاده منابع کاری و مهارت های آنها محروم می نماید. سازمان دفاع از حقوق بشر اظهار می نماید که بحران هویتی بانوان در افغانستان بیش از هر زمان دیگر تشدید گردیده و در مورد، دورنمای قناعت بخش و دلگرم کننده ای اصلن بنظر نمی رسد.

در مورد مبارزه با کشت، زرع و قاچاق مواد مخدر قابل یاددهانی پنداشته می شود زمانی که "طالب"ها، دو دهه قبل، برای نخستین بار بقدرت رسیدند، با موفقیت مبارزه علیه مواد مخدر را آغاز نمودند. سیاست اینچینی تا کنون هم دنبال می گردد. در امتداد ماه ثور سالروان، "طالب"ها مجدداً از منع کشت و زرع خشخاش خبر دادند. قضاوت و داوری در مورد اینکه اقدام یادشده به چه اندازه ای مؤثر و مفید واقع گردید، اندکی دشوار بنظر می رسد. "طالب"ها در صدد سرکوب دگراندیشان شده و بگونه گسترده ای به تحدید آزادی بیان مبادرت ورزیدند. در امتداد ماه سنبله سال پار، وزارت اطلاعات و فرهنگ "طالب"ها در عرصه کار و فعالیت و وسایل اطلاعات جمعی گویا به منظور مؤثریت امور مربوطه، قوانین و ضوابط جدیدی وضع نموده که بر بنیاد آن، خبرنگاران از چاپ و نشر مسایل و موضوعاتی که خلاف ارزش های اسلامی بوده و با شرعیت سرسازگاری ندارند، بگونه جدی منع گردیدند. بر بنیاد آمار و ارقام منتشره توسط انجمن خبرنگاران، در امتداد سال پار از مجموعه ۵۴۴ منبع خبررسانی، بتعداد ۲۱۸ آنها کارهای شان را متوقف نموده که در نتیجه بتعداد ۷۰۰۰ تن از کارمندان و وسایل اطلاعات همگانی نیز شعل های شان را از دست دادند. خبرنگاران خارجی شاغل در داخل کشور از موقعیت های نسبتن ممتازی برخوردار بوده و "طالب"ها نیز در قبال آنها از اغماض کاری گیرند.

افراد و اشخاصی که جرأت نموده و با حضور در جاده ها، خواستند تا صدای اعتراض شان را بگوش زمامداران کشور برسانند، با انواع فشار و تهدید مواجه گردیدند. در امتداد ماه اسد سال پار، بانوان کشور در برخی از شهرها بر علیه سیاست ها و عملکردهایی که سبب سلب حقوق و نقض آزادی های بانوان می گردید، گردهمایی های را برپا و راهپیمایی را سازماندهی نمودند. در مقابل، "طالب"ها با انجام فیرهایی در نظر داشتند تا جمعیت اعتراضی را متفرق نمایند. متعاقب آن، "طالب"ها اقدامات و حرکت های اعتراضی را ممنوع نمودند. چنین اقدامی حتا در داخل وزارت امور داخله "طالب"ها نیز با مخالفت هایی مواجه گردید. برخی از فعالان حقوق بشر به تداوم تظاهرات اعتراضی همچنان ادامه دادند.

قابل یاددهانی پنداشته می شود که نماینده های اقلیت های قومی و مذهبی نیز با معضلات بیشماری دست و پنجه نرم می نمایند. بر همین منوال، در امتداد سال پار، "طالب"ها بتعداد ۱۳ تن از شهروندان هزاره کشور را در ولایت دایکندی بقتل رسانیدند که در میان آنها، جسد دختر ۱۷ ساله ای نیز بمشاهده می رسید. وضعیت اینچینی، پس از دو هفته از بقدرت رسیدن "طالب"ها بوقوع پیوست.

در مورد چگونگی ارتباط "طالب"ها با "القاعده" بایست متذکر گردید که مدتی قبل، نماینده بلند پایه و با صلاحیت "طالب"ها هرگونه ارتباط و مناسبات با "القاعده" را مورد تردید قرار داد. بگفته نامبرده، در اراضی متعلق به افغانستان، جنگجویان "القاعده" اصلن وجود نداشته و همه ی آنها سرزمین افغانستان را ترک نموده اند. نامبرده همچنان ادعا می ورزد که "طالب"ها پس از آنکه ایمن الظواهری رهبر "القاعده" توسط عملیات ویژه در کابل بقتل رسید، آنها از موجودیت وی در افغانستان اطلاع حاصل نمودند. نامبرده ادامه داده افزود که میان "طالب"ها و الظواهری، هیچگونه ارتباطی اصلن موجود نبود. قرار اظهارات نامبرده، کمینه ای به هدف تحقیق چگونگی مرگ رهبر "القاعده" مؤظف گردیده است.

از جانب دیگر، "طالب"ها متذکر گردیدند که سرزمین و اراضی افغانستان، هیچگاهی علیه ایالات متحده و یا کشور دیگری مورد استفاده قرار نخواهد گرفت. اینکه چرا و چگونه الظواهری در افغانستان مخفی شده بود، در نوع خود، داستان و حدیث جداگانه ایست که با حدس و گمان هایی همراه می باشد، اما بگفته "طالب"ها، آنها هرگز به گروه های تروریستی در افغانستان اجازه فعالیت نخواهند داد. آنها همچنان ادعا می نمایند که اگر الظواهری در کابل به فعالیت و یا عملکردی متوسل می گردید، "طالب"ها از آن حتمن مطلع می گردیدند.

اما شورای امنیت سازمان ملل در اینمورد اندکترین شک و تردیدی ندارد که در جریان مذاکرات "طالب"ها با ایالات متحده طی سال ۱۳۹۹، این "طالب"ها بودند که بگونه با قاعده و منظمی با "القاعده" مفاهمه و مشوره می نمودند تا در مورد چگونگی ارتباط و نحوه مناسبات میان دسته بندی های یادشده مطمئن گردند.

نباید فراموش نمود که عمده ترین حلقه ارتباطی و وصل "طالب"ها و "القاعده" را "شبکه حقانی"، شبکه ای

که بمثابة دوستان قدیمی و تاریخی "طالب" ها پنداشته می شود، برعهده دارد. شبکه یادشده در اواسط سال ۱۳۶۹، عهده دارمسئولیت پست ها و مقام های مهمی درحاکمیت دornخست "طالب" ها درکشور بود. ارتباط ها و پیوند های یادشده در امتداد سال های سال، بیش از پیش وسعت یافته و مستحکمترگردیده است. بر بنیاد اظهارات برخی از مسؤولان امنیتی در ایالات متحده، درآینده ها و بویژه درامتداد سال های پیشرو، وضعیت عمومی افغانستان ممکن بگونه نسبتن آرام و بدون درگیری های مسلحانه باشد، اما همچنان یادآوری بعمل می آید که وضعیت اینچنینی، بگونه فریبنده ای بنظرمی رسد. عمده ترین معضل دراین واقعیت نهفته می باشد که پس از سپری شدن چندین سال آرامش (بگونه نمونه پس از پنج ویا هفت سال)، ممکن تضادهای انباشته شده درکشورمجددن قد برافرازند. دست اندرکاران وکسانی کاز نزدیک سیرحوادث درکشورمارا تعقیب می نمایند، چنین می پندارند که با موجودیت طولانی مدت "طالب" ها در افغانستان، واقعیت وجودی صلح و امنیت اصلن متصور نمی باشد. چه، درداخل، "طالب" ها از موجودیت ضد و نقیض گویی های گونه گونه ای واقعن دررنج و عذاب می باشند. چنین شرایط و وضعیت، زمینه پیدایش وذایش گروهایی را مساعد ومهیا خواهد نمود که درشرایط و وضعیت کنونی بمنظوربه چالش کشیدن "طالب" ها درکشورگام بجلوبگذارند.

شنبه ۵ ماه سنبله سال ۱۴۰۱ خورشیدی برابر با ۲۷ ماه اگست سال ۲۰۲۲ ترسایی